



گلشیفته فراهانی



معصومه علیزاد



نازنین بنیادی



حامد اسماعیلیون



رضا پهلوی



علی کریمی

نگاهی به سیر تحول مخالفان نظام جمهوری اسلامی از گذشته تا امروز

ابتدال اپوزیسیون

◀ **میثم فکری**
 دکترای علوم سیاسی

نمونه‌های اپوزیسیون پیش از انقلاب در بستری از هرج ومرج اجتماعی، وخامت اوضاع اقتصادی، زلزله پایه‌های حکومت فاجاریا نایختگی محمدرضا پهلوی و وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، نفوذ مستقیم قدرت‌های بزرگ غربی و بالاخره، شدت اقتدار گرایی در روحیه بسیاری از نخبگان سیاسی اتفاق افتاده بود. لیکن در شکل‌گیری اپوزیسیون بعد از انقلاب، زمینه‌های دیگری نقش داشته است. نظام جمهوری اسلامی خود را شنوای نظرات متفاوت و حتی مخالف معرفی کرده و این موضوع را در ۴ دهه گذشته در قالب انتخابات، آزادی مطبوعات، همایش‌ها، کرسی‌های آزاداندیشی و… نشان داده است. از سوی دیگر نظام در عین اعلام توجه به نظرات مخالف، به دلیل نویا بودن و تهدیدات داخلی و خارجی بیشترین اتهام خود را صرف ثبات خود کرده که تا حدود زیادی در حوزه ثبات موفق بوده است؛ اما با توجه به تجربه تاریخی ایران، وجود قومیت‌های متنوع، مذاهب متفاوت، نسل جوان فعال، تهدیدات خارجی و وابستگی بعضی از گروه‌های داخلی به بیگانگان و شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی، به هر حال زمینه‌های آسیب‌پذیری تا حدی وجود دارد. زیرا این تهدید کمابیش وجود داشته که اعتراضاتی که گاه به دلیل برخی مشکلات صورت می‌گیرد، از چهارچوب خود خارج شده و حالت ناسالمی به خود گرفته و نهایتاً به خشونت و تفرقه و تجزیه در نیروهای سیاسی و اجتماعی منجر شود. از شروع آشوب‌های اخیر نیروهای اپوزیسیون که تومخ انقلاب داشتند، از ائتلاف و اتحاد میان خود حرف می‌زدند اما نه تنها حتی یک ائتلاف نیم‌بند هم شکل نگرفت بلکه شکاف‌ها میان جریان‌های مختلف ضد ایران از سلطنت‌طلب‌ها تا چپ‌ها و منافقین و از تجزیه‌طلبان تا سایر گروه‌ها بیش از پیش آشکار شد. در روزهای اخیر رسانه‌های اپوزیسیون خط خبری خود را انتشار پیام مشترک برخی چهره‌های ضد انقلاب قرار داده و با آب و تاب آن را پوشش دادند. این پیام که البته یک توثیت سه خطی به مناسبت سال نوی میلادی بود موجب شد تا رسانه‌های فارسی زبان آن را نشانه ائتلاف و وحدت اپوزیسیون قلمداد کنند! انتشار توثیت مشترک از سوی چهره‌هایی که نه سابقه سیاسی دارند و نه حتی چندان شاخص هستند که جامعه ایران با آنها همراه شود، نشان می‌دهد که اولاً سطح عملکرد اپوزیسیون خارج نشین جمهوری اسلامی تا چه اندازه به ابتدال کشیده شده و ثانیاً نشان از آینده تاریک پیش روی این گروه‌ها دارد. جلودار شدن چهره‌هایی که سواد سیاسی ندارند، نشان می‌دهد که لیدرهای جریان ضد انقلاب تا چه حد افراد سطح پایینی هستند که اتحاد توثیتی آنها باهم مهم شده است! به همین بهانه، در مطلب حاضر جریان شناسی اپوزیسیون داخلی و خارجی و علل عدم موفقیت آنها در فعالیت‌هایی که داشته‌اند، بررسی می‌شود.

اپوزیسیون قانونی به دنبال براندازی نیست

اپوزیسیون را در حکومت‌های فاقد اپوزیسیون قانونی به سه دسته تقسیم می‌کنند: اپوزیسیون قدرته طلب که درواقع مخالف پرسنل سیاسی حاکم است؛ اپوزیسیون اصلاح‌طلب که مخالف سیاست‌های جاری حکومت است و اپوزیسیون انقلابی که مخالف کل نظام حاکم است.

در یک تقسیم‌بندی دیگر اپوزیسیون به دو طبقه اپوزیسیون درونی و اپوزیسیون بیرونی تقسیم می‌شود. اپوزیسیون بیرونی شامل همه کسانی می‌شود که خارج از مرزهای سرزمینی و ایذولوژیک یک کشور قرار می‌گیرند و اپوزیسیون علیه آن فعالیت می‌کند. آنها از لحاظ مشی مختلف‌اند؛ زیرا ممکن است مشی آنان، موجی از لزوم اصلاحات تا ضرورت براندازی را شامل شود. دسته دوم، اپوزیسیون درونی‌اند، آنها همچون اپوزیسیون در خارج از مرزها، در عقیده و مشی، با هم اختلاف دارند اما برخلاف اپوزیسیون بیرونی، بیشتر میل به ضرورت اصلاحات دارند تا اقدامات ویرخی غیرقانونی‌اند.

با استفاده از آنچه در معنای اپوزیسیون گفته شد، می‌توان اپوزیسیون غیرقانونی را به این شکل تعریف کرد: «اپوزیسیون به احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مخالف یک نظام سیاسی و ضدانقلاب اطلاق می‌شود. جریان‌های اپوزیسیونی به دلیل تضادهای ایدئولوژیک سیاسی و منافع اقتصادی، در برابر یک رژیم به مبارزه می‌پردازند. آنان علاوه بر اینکه ایدئولوژی‌های مختلف دارند، ممکن است در داخل یا خارج از کشور، فعال بوده و رهبری‌های مبارزه با رژیم یا انقلاب در دوام آن را نیروهای تشکیل می‌دهند که در مسابقه به پیروزی نرسیده‌اند، اما به نظام طوفانراند و به اصطلاح اپوزیسیون قانونی طبق اول به حساب می‌آیند و بنا دارند تا با بازسازی خود در مسابقه‌های بعدی، بتوانند به قدرت بازگردند.

می‌توان گفت تمام انقلاب‌ها به نوعی «اپوزیسیون سرخود» متولد می‌شوند و مانند چنینی که به جفت خود در زمان تولد متصل است، انقلاب نیز با اپوزیسیون خود متولد

دارند و به تمامیت ارضی کشور پایبند هستند، حقانیت نظام و مشروعیت آن را به شکل مستقر می‌پذیرند و شیوه فعالیتشان هم در چهارچوب موازین قانون اساسی است. این گروه‌ها اصطلاحاً خودی و در درون حاکمیت جای می‌گیرند.

اپوزیسیون قانونی به لحاظ سیاسی مستقل بوده و وابستگی سیاسی به بیگانه ندارد، به تمامیت ارضی کشور پایبند است و فعالیت قانونی را هم می‌پذیرد؛ اما در ارتباط با میزان مقبولیت نظام سیاسی و حاکمان، رأی و نظر متفاوتی با دیدگاه حاکم دارد.

اپوزیسیون «بر نظام» یا «اپوزیسیون معاند» گروه‌هایی هستند که می‌توانند وابسته باشند

یا مستقل، خواهان حفظ تمامیت ارضی کشور باشند یا تجزیه‌طلب، اما به هر حال این گروه با زیور سوازل بردن حقانیت و مشروعیت نظام، اساساً به طرق غیرقانونی و براندازانه درصدد سرنگونی حاکمیت هستند.

گذار اپوزیسیون از «بر ساختار» به «در ساختار»

باری در فضای سیاسی از الگوی رقابت

در چهارچوب نظام سیاسی پیروی می‌کند.

این الگو زاینده بنیادهای سیاسی- فکری

یک نظام سیاسی است که به طور منطقی-

عقلایی به وسیله مردم یک کشور استوار

شده، حدموزی برای رقابت سیاسی تریسم

می‌کند که نیروهای سیاسی بازیگر، امکان

نجاوز به ماورای آن را ندارند. نیروهای

سیاسی موردتوجه در این الگو را دو طیف

عمده تشکیل می‌دهند که طیف اول آن

عبارت‌اند از: نیروهای وفادار به نظام سیاسی

که از راه رقابت به قدرت رسیده‌اند، مناصب

حکومتی را در اختیار دارند و سیاست‌سازی و

اداره اجرایی‌امور را به دست دارند و طیف

دوم آن را نیروهایی تشکیل می‌دهند که در

مسابقه به پیروزی نرسیده‌اند، اما به نظام

طوفانراند و به اصطلاح اپوزیسیون قانونی

طبق اول به حساب می‌آیند و بنا دارند تا با

بازسازی خود در مسابقه‌های بعدی، بتوانند

به قدرت بازگردند.

می‌توان گفت تمام انقلاب‌ها به نوعی

«اپوزیسیون سرخود» متولد می‌شوند و مانند

چنینی که به جفت خود در زمان تولد متصل

است، انقلاب نیز با اپوزیسیون خود متولد

در تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که در طول این ۴ دهه، جنس مخالفت‌ها دگرگون شده است. در سال‌های اولیه، مخالفت اپوزیسیون به شیوه نظامی و براندازانه آشکار بوده است و نوع برخورد نظام جمهوری اسلامی با توجه به پشتوانه‌های فقهی و نظری و مشروعیت سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، صحنه‌نظران معتقدند که مخالفت‌های غیرقانونی اعلام‌کردن آنها بوده است. برخی اولیه دهه ۱۳۶۰ مخالفت‌های «بر» و «در» ضدیت کامل با جمهوری اسلامی بود ولی امروز می‌توان گفت بخش قابل توجهی از مخالفت‌ها «در» چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

مهم‌ترین اهداف اپوزیسیون جمهوری اسلامی

بخش چشم‌گیری از فعالیت اپوزیسیون برخلاف فعالیت گروه‌های گفتمان انقلاب اسلامی و تلاش برای استحال آن است و می‌توان اقدامات ذیل را با این هدف برشمرد:

تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی به مجموعه حرکت‌ها و اقدام‌های آگاهانه و هدفمند یک بازیگر برای تغییر آگاهی‌ها، گرایش‌ها، تمایلات و رفتارهای اکثریت غالب مردم جامعه دیگر اطلاق می‌گردد. استعمارگران به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در کشور، نفوذ در فرهنگ و استحاله درونی آنها است. به همین سبب با مترقی جلوه دادن ارزش‌های موردپسند خود، آنها را جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها می‌سازند.

انزوای روحانیت و نیروهای انقلابی: روحانیت و مرجعیت شیعه، محور اصلی بسیاری از تحولات فکری- فرهنگی و سیاسی تاریخ معاصر ایران بوده است. روحانیت شیعه در ایران دارای ویژگی‌های خاص است که شامل جایگاه اجتماعی، استقلال اقتصادی و ایجاد ارتباط از طریق اجتهاد می‌شود. این ویژگی که در اجرای نقش مردمی و انقلابی روحانیت فوق‌العاده مؤثر بوده به نوعی ضامن بقا و حافظ منافع ملی ایران از چپاول سلطه‌گران نیز شده است.

تفرقه و جدایی میان حوزه و دانشگاه: «وحدت حوزه و دانشگاه» از مهم‌ترین دغدغه‌ها و آرزوهای بزرگان و دلسوزان انقلاب بوده و هست. بر این اساس هرگونه جدایی و تفرقه میان دو نهاد اصلی تولید فکر و علم در ایران می‌تواند تبعات و پیامدهای نامطلوبی دربرداشته باشد. بی‌شک اختلاف صورت سلسله مراتبی بود، بدین معنی که در رأس هر گروه یک قوه عاقله (مشکل‌ها) از آن به بعد با بیان شعارهای مردم‌سالارانه و فعال شدن جامعه مدنی و فضای باز سیاسی امکان فعالیت‌های قانونی بیشتر فراهم شد و تغییرات وسیعی در نوع، روش و کنش اپوزیسیون به وجود آمد. تغییر و تحولات کلّی اپوزیسیون بعد از دهه ۷۰ را می‌توان چنین برشمرد:

تغییر ساختار تشکیلاتی از سلسله مراتبی به گروهی: قبل از دهه ۷۰ ساختار تشکیلاتی اکثریت گروه‌های اپوزیسیون به صورت سلسله مراتبی بود، بدین معنی که در رأس هر گروه یک قوه عاقله (مشکل‌ها) از آن به بعد با بیان شعارهای مردم‌سالارانه و فعال شدن جامعه مدنی و فضای باز سیاسی امکان فعالیت‌های قانونی بیشتر فراهم شد و تغییرات وسیعی در نوع، روش و کنش اپوزیسیون به وجود آمد. تغییر و تحولات کلّی اپوزیسیون بعد از دهه ۷۰ را می‌توان چنین برشمرد:

تغییرات تاکتیکی اپوزیسیون در ایران: می‌توان درصحنه سیاست ایران، عملاً دو نوع شکل و حزب را معرفی کرد؛

حتمی اپوزیسیون قانونی هم

از نظر نداشتن برنامه و الگو

مورد نقد‌های فراوان بوده

و می‌توان گفت که یکی از

علل اصلی ریزش پشتوانه

اجتماعی جریان‌های موسوم

به اصلاح‌طلب در سال‌های

اخیر بویژه در انتخابات

اخیر همین موضوع بوده

است. از نظر شکلی در حال

حاضر، رویکردهای گروه‌ها

و جریانات اپوزیسیون

در داخل و خارج از کشور

از وضعیت سنتی خارج

شده و حالت «ژلاتینی

یا سیال» به خود گرفته

است؛ بنابراین در خارج

از کشور و در سایه گفتمان

دموکراسی خواهی، گروه‌هایی

از چپ مارکسیست یا

سلطنت‌طلب به یکدیگر

نزدیک شده‌اند و در واقع

«جبهه‌ای عمل کردن» در

دستور کار قرار گرفته است

نوشتن مقاله‌ها، اماکن تشکیلاتی و اسامی اعضای سازمان اکثراً به صورت مخفی و با پوشش انجام می‌گرفت؛ اما بعد از دهه ۷۰ این مسائل کاملاً تغییر کرد و اکثریت مسائل سازمانی صورت کاملاً آشکار به خود گرفت.

اسامی مستعار از بین رفت و اسامی واقعی اعضای سازمان جای آن را گرفت، جلسات سازمان‌ها با حضور اصحاب رسانه‌ها و نماینده سایر گروه‌ها تشکیل و اطلاعیه با نام وامضای نویسنده آنها منتشر شد.

تغییر فعالیت از شیوه براندازی سخت به براندازی نرم: قبل از دهه ۷۰ فعالیت اپوزیسیون در قالب براندازی سخت صورت می‌گرفت، اما بعد از دهه ۷۰ گروه‌های اپوزیسیون از این مسائل دست برداشتند و به تأسیس انجمن‌های علمی گوناگون، برگزاری کلاس‌های آموزشی در تمامی زمینه‌ها برای اعضای سازمان و حتی سایر اعضای جامعه پرداختند. آنها سعی کردند از امکانات شهری و اجتماعی که به صورت قانونی می‌توانستند فراهم کنند استفاده کرده، نگاه و بخشی از جامعه را به سوی خود معطوف دارند.

تغییر گرایش فعالیت از سلولی به اتحاد

وائتلاف: سازمان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون قبل از دهه ۷۰ هرکدام به صورت سلولی یا مستقل عمل می‌کردند، بدین معنی که هر گروهی خود را به تنهایی آلترناتیو جمهوری اسلامی می‌دانست و تلاش می‌کرد ضمن سرنگونی جمهوری اسلامی نظام موردعلاقه خود را جایگزین آن کند، اما با گذشت زمان و مهاجرت اجباری اعضا و کادرهای این گروه‌ها به خارج از کشور، به سمت اتحاد‌های مختلف گرایش پیدا کردند. مجدداً با گذشت زمان و عدم کارایی این اتحادها، گروه‌های اپوزیسیون به این نتیجه رسیدند که کلیت اپوزیسیون گذشته از همه اختلاف‌نظرهایی که باهم دارند یک نقطه اشتراک در میان آنها وجود دارد و آن براندازی نظام جمهوری اسلامی است؛ لذا حول این محور مشترک با یکدیگر ائتلاف کردند و در یک جبهه واحد علیه نظام وارد مبارزه شدند.

تغییر نگرش: سازمان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون قبل از دهه ۷۰ هرکدام خود را به تنهایی آلترناتیو جمهوری اسلامی می‌دانستند و برای دوران بعد از سرنگونی، حکومت‌های موردنظر خود را که ناشی از عقبه فکری آنها بود، مطرح می‌کردند. اکثر این گروه‌ها به دنبال حکومت‌های آرمانی بودند، اما بعد از دهه ۷۰ و با تغییر شرایط داخلی و خارجی و تأثیرپذیری از کشورهای دیگر که به آنجا مهاجرت کرده بودند تغییر نگرش فکری در آنها پدید آمد و به این نتیجه رسیدند که این‌گونه حکومت‌ها حداقل با شرایط کنونی کشور ما همخوانی ندارد و باید به سمت واقعیت‌ها پیش رفت؛ لذا عنوان کردند که به دنبال حکومتی مانند همه حکومت‌های جمهوری که در غرب وجود دارد، هستند، به زعم خود که حداقل دموکراسی در آنها رعایت شود!

با توجه به مطالب فوق مهم‌ترین علل و عوامل اینکه چرا در گروه‌های اپوزیسیون این تغییر و تحولات رخ داد و چگونه این گروه‌ها و سازمان‌ها این تغییرات را پذیرفتند، می‌توان چنین بیان کرد:

تغییر شرایط بین‌المللی: یکی از موارد تغییر شرایط بین‌المللی، پیشرفت تکنولوژی می‌باشد. وضعیت تکنولوژی قبل و بعد از دهه ۷۰ اصلاً با یکدیگر قابل مقایسه نیست. مصادیق جدید پیشرفت تکنولوژی که تا قبل از دهه ۷۰ فقط در داستان‌های تخیلی قابل پذیرش بود، بعد از دهه ۷۰ همه آنها به واقعیت تبدیل و جزء لاینفک زندگی بشریت گردید. همچنین با پیشرفت تکنولوژی درهای اطلاعات محرمانه و غیرقابل دسترسی روی بشریت بازگردید. همه مردم با یک جست‌وجوی ساده می‌توانستند به هر نوع اطلاعاتی که مورد نیاز آنها بود دسترسی داشته باشند.

نشاط تبیین جمهوری اسلامی: ذهنیت عمومی اپوزیسیون قبل از دهه ۷۰ به‌گونه‌ای بود که احساس می‌کردند در هر یک از مشکلات پیش روی جمهوری اسلامی امکان و درصدد سرنگونی نظام بسیار بالاست و سرانجام در برابر یکی از این بحران‌ها سرنگون خواهند شد و آنها قدرت را در دست خواهند گرفت. با شروع سال‌های ابتدایی دهه ۷۰، بحران‌ها در رأس هر گروه یک قوه عاقله (مشکل‌ها) از آن به بعد با بیان شعارهای مردم‌سالارانه و فعال شدن جامعه مدنی و فضای باز سیاسی امکان فعالیت‌های قانونی بیشتر فراهم شد و تغییرات وسیعی در نوع، روش و کنش اپوزیسیون به وجود آمد. تغییر و تحولات کلّی اپوزیسیون بعد از دهه ۷۰ را می‌توان چنین برشمرد:

تغییر شیوه فعالیت از عمدتاً مخفی به کاملاً آشکار:

اکثریت اپوزیسیون به صورت مخفیانه انجام می‌گرفت. خانه‌های تویت، اجرای قرارها،

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

توجه به نو یا بودن آنها بشدت با اپوزیسیون خود برخورد کردند، اما در انقلاب اسلامی ایران دستگاه‌های ذریبط امر اپوزیسیون علی‌رغم جوان بودن، نداشتن هیچ‌گونه آموزش خاص و حرفه‌ای، مرتبط نبودن با هیچ یک از سرویس‌های اطلاعاتی رایج در دنیا، فقط و فقط بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و با سعه‌صدر تمام و تسامح و تساهل وصف‌نایدیزیر بد اخلاقی‌ها و هنجارشکنی اپوزیسیون را تا زمانی که سلاح در دست نگرفته بودند و به ترور و قتل دست نزده بودند تحمل کردند و بعد از مقابله و سزه تسلیم با مدارا با آنها رفتار نمودند که این مسأله تأثیر شدیدی بر اعضا و هواداران این گروه‌ها که اندک تعقل و علاقه‌ای به کشور و مردم خود داشتند، گذاشت تا آنجا که بسیاری از آنها از مبارزه و رویارویی با نظام دست کشیده یا به صف مردم علاقه‌مند به انقلاب اسلامی پیوستند یا به زندگی عادی خود برگشتند.

■ **اپوزیسیون برانداز، در رسانه احتضار**
امروز جمهوری اسلامی ایران در آغاز گام دوم انقلاب اسلامی ضمن پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که در ۴۰ سال گذشته داشته با گروه‌ها و مخالف و برانداز داخلی و خارجی مواجه است. در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی حضور داشتند که حول یک دشمن مشترک تحت عنوان گفتمان پهلوی، هدف مشترکی را به‌منظور ساقط نمودن آن دنبال می‌نمودند. گفتمان اسلام‌گرا، گفتمان چپ مارکسیستی و گفتمان ملی لیبرال سه گفتمانی بودند که در برابر گفتمان پهلوی قرار گرفتند و پایه‌های گفتمانی آن را از هم پاشیدند و به دنبال ساماندهی امور بر اساس مبانی گفتمانی خویش برآمدند.

بخشی از آنها که اپوزیسیون غیرقانونی را تشکیل می‌دهند در خارج از کشور قرار دارند. اپوزیسیون خارج از کشور، علی‌رغم پارهای تغییرات، در واقع همان اپوزیسیون دوران انقلاب است و طیف وسیع جریانات چپ، لیبرال و سلطنت‌طلب و پاراهای جریانات میهن‌دوست است. این همگی شکست‌خوردهان انقلاب‌اند، شامل می‌شود؛ گروه‌هایی که اکثریت آنها با پشتوانه کشورهای خارجی مخالف جمهوری اسلامی در ارتباط هستند. بخشی از مخالفان انقلاب اسلامی را نیز گروه‌ها و احزابی تشکیل می‌داندند که با تسامح از شکل‌گیری نهادهای انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی در ابتدای انقلاب اسلامی، انقلاب را به نحوی به رسمیت شناخته و در چهارچوب آن اقدام به مبارزه مسالمت‌آمیز با سایر احزاب و با حاکمیت وقت جمهوری اسلامی نمودند که از آنها با عنوان احزاب و گروه‌های اپوزیسیون رسمی اصلاح‌طلب یاد می‌شود؛ احزاب و گروه‌هایی که در ذیل این عنوان پس از استقرار نهادهای انقلابی و حاکمیتی و تصویب قانون اساسی به مخالفت مسالمت‌آمیز با آن پرداخته‌اند.

حتی اپوزیسیون قانونی هم از نظر نداشتن برنامه و الگو مورد نقدهای فراوان بوده و می‌توان گفت که یکی از علل اصلی ریزش پشتوانه اجتماعی جریان‌های موسوم به اصلاح‌طلب در سال‌های اخیر بویژه در انتخابات اخیر همین موضوع بوده است. از نظر شکلی در حال حاضر، رویکردهای گروه‌ها و جریانات اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور از وضعیت سنتی خارج شده و حالت «ژلاتینی یا سیال» به خود گرفته است؛ بنابراین در خارج از کشور و در سایه گفتمان دموکراسی خواهی، گروه‌هایی از چپ مارکسیست یا سلطنت‌طلب به یکدیگر نزدیک شده‌اند و در واقع «جبهه‌ای عمل کردن» در دستور کار قرار گرفته است. اتصال اپوزیسیون خارج از کشور و اپوزیسیون داخل، اهداف اصلی طراحان خارجی سکولارگرفته و تلاش مضاعفی را به‌منظور همراه کردن عواض مبذول می‌نماید.

با توجه به استقرار نظام جمهوری اسلامی باید گفت هرچند اپوزیسیون ضد نظام در خارج از کشور و معهود موافقان داخلی آنها، قصد و هدف براندازی و تغییر نظام جمهوری اسلامی را دارند، اما به نفع فقدان پایگاه اجتماعی و اهرم‌های وابسته به آن و همچنین ناکامی جهت رسوخ در ارکان نظام سیاسی و تغییر بنیادی در برنامه‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی، نباید تهدید جدی تلقی شوند. اپوزیسیون قابل اعتنا همانا اپوزیسیون موجود در داخل کشور و قانونی است، زیرا فرایند وضعیت و موجودیت خود را متوجه برنامه و سیاست‌های جاری نظام نموده و در فرایند پیچیده روابط جامعه و حکومت مشارکت می‌نماید. به عبارت دیگر، این اپوزیسیون به‌صورت عینی وانضمامی به طرح مباحث می‌پردازد، درحالی که اپوزیسیون ضد نظام و برانداز به صورت انتزاعی به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی پرداخته و بی‌بهره از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی در درون سرگذشت آنها یک نکته به‌خوبی به دست خواهد آمد و آن اینکه همه این انقلاب‌ها با